

معرفی کتاب

گروندریسه پس از صد و پنجاه سال

عباس دلگشایی

"... به هر قیمتی باید هدفم را دنبال کنم و اجازه ندهم

جامعه‌ی بورژوازی مرا به ماشین پول ساز تبدیل کند."

(از نامه‌ی مارکس به ژوزف ویدمیر/اول فوریه ۱۸۵۹)

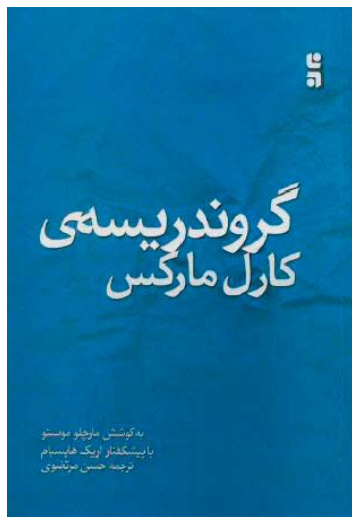
مارکس از آن دست متفکرانی است که عهد کرده است تا پایان کار جهان صحنه‌ی زندگی و مبارزه را ترک نکند. انتشار دستنوشته‌های منتشر نشده‌اش از خلال نزدیک به ۲۰۰ دفتر باقی مانده - به جز آثار کتابی‌ای که منتشر شده است - نامه نگاری‌ها و نیز آن دسته از متونی که کم‌تر از بیست سال است که به همت بنیاد آثار مارکس و انگلس (MEGA) از پشت ابرهای ویراست انگلس بیرون آمده، همه و همه گواهی است بر این مدعا که مارکس همچنان زنده، در حال تحقیق و بی‌درنگ آماده‌ی پاسخگویی به منتقدانش است.

بین سال‌های ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰ حجم مبادلات تجاری در بازار جهانی دو برابر شد. نظام بانکی و اعتبارات گسترش عظیمی پیدا کرد و بورس سهام سخت در جنب و جوش بود. این شرایط برای اقتصاددانان کلاسیک به نوعی تداعی‌کننده‌ی ناقص و هم‌گونه‌ی «پایان تاریخ» و اثبات برحق «سرمایه‌داری» بود. مارکس اما این فعالیت جدید اقتصادی را مقدمه‌ای بر بحران چرخه‌ای مازاد تولید می‌دید. سرانجام بحران در سال ۱۸۵۷ بروز کرد و مارکس که پیش از این، پیش‌بینی چنین روزی را می‌کرد، شگفت زده تصمیم گرفت نتیجه‌ی ۱۵ سال تحقیق اقتصادی‌اش را که بعضاً در قالب مقالاتی نصف و نیمه و یادداشت‌های شخصی رها کرده بود، به ثمر نشاند. نتیجه‌ی این تصمیم، گردآمدن نزدیک به ۹۰۰ صفحه دست‌نوشته بود که سرانجام عنوان «گروندریسه» (به معنای لغوی طرح مقدماتی) را به خود گرفت.

«گروندریسه» که با عنوان فرعی «مبانی نقد اقتصاد سیاسی» شناخته می‌شود، از جمله‌ی آثار مارکس است که سرنوشتی همچون دیگر آثارش پیدا کرد و مقدر بود تا نزدیک به یک قرن بعد از نگارش آن از نظرها دور بماند تا سرانجام به قول هابسباوم "کم و بیش با اکراه به عنوان بخشی یکپارچه از مجموعه‌ی نوشته‌های مارکس در اتحاد جماهیر شوروی پذیرفته و به ویراست پیشین آثار مارکس - انگلس در سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۶۹ افزوده شد، گرچه تیراژ آن کمتر از سرمایه بود."

«گروندریسه‌ی مارکس» به کوشش مارچلو موستو اثری است جامع که نه فقط به بررسی زوایای مختلف این اثر مارکس اختصاص دارد بل گزارشی است تاریخی از سیر تکوین ایده‌ی نگارش آن در اندیشه‌ی مارکس، زندگی و زمانه‌ی مارکس به هنگام نگارش اثر و نیز روندها و فراز و فرودهای مباحث مارکسیستی در کشورهای مختلف به واسطه‌ی ترجمه و انتشار این اثر سترگ در آنها. اهمیت کتاب در مشارکت ۳۱ نفر از کارشناسان و متخصصان اندیشه‌ی مارکس در توضیح و تفسیر ایده‌های این پیامبر علوم انسانی است. نام‌هایی چون هابسباوم، مارچلو موستو، جان بلامی فاستر، موشه پوستون، الن میک سینزوود و... هر علاقه‌مند به پژوهش‌های مارکسیستی را مجاب می‌کند که باید به سراغ کتاب رود.

چنانکه در مقدمه‌ی کتاب نیز اشاره شده است این مجلد "به مناسبت صد و پنجاه سالگی تألیف [گروندریسه] تألیف شده است و مارکسی‌ها را معرفی می‌کند که از بسیاری جهات با مارکسی‌ها که در جریان‌های مسلط مارکسیسم سده‌ی



ترین بخش های نوشته ی موسو یکی تشریح «نسبت تولید و توزیع» از نظر مارکس است که بسیاری از منتقدان مارکس-به ویژه مکتب اتریش- آن را پاشنه ی آشیل فهم وی از اقتصاد دانسته اند، حال آنکه موسو این کژفهمی را تصحیح می کند. دیگر بخش مهم، ترسیم چگونگی «تولد روش»

در مطالعات مارکس از جامعه ی سرمایه داری است که در گروندریسه خود را به صورت «بازنمایی» و در «سرمایه» به صورت «پژوهش» نشان می دهد.

فصل دوم با عنوان «مفهوم ارزش در اقتصاد مدرن» توضیح چگونگی رمزگشایی و بازسازی شیوه ی تولید سرمایه داری توسط مارکس به مدد «نظریه ی ارزش» است. نویسندگان این فصل با تأکید بر اینکه پیش نویس های خام مارکس نوعی طرح مقدماتی است و اینکه این فهم پیوستگی های کل را آسان می کند، تز مرکزی نوشتار خود را چنین اعلام می کنند:

"طرح مارکس رسیدن به مفهومی از جامعه ی بورژوازی را به عنوان یک تمامیت امکان پذیر می کند."

فصل سوم از جمله ی چالش برانگیزترین فصل هاست، چراکه اختصاص به «برداشت مارکس از بیگانگی در گروندریسه» دارد. نویسنده ضمن ارائه ی گزارشی از مجادلات میان مارکسیست ها پیرامون این مفهوم، با اشاره به ایده ی «گسست شناخت شناسی مارکس» که از سوی آلتوسر عنوان شد، تحلیل جالبی از دو چهره ی مارکس، هم به مثابه ی «فیلسوف» و هم «عالم اقتصادی» ای که باور دارد فلسفه پایان یافته، ارائه می دهد.

فصل چهارم، تمرکز خود را بر دوگانه ی «کار مرده» و «کار زنده» به عنوان زمینه و درعین حال نتیجه ی «کشف مقوله ی ارزش اضافی» می گذارد. اهمیت این بحث را شاید بتوان در این دانست که بعدها در سالهای دهه ی ۱۹۵۰، فیلسوف برجسته و انسان گرای مارکسیست، رایا دونایفسکایا با اتکا به میراث این کشف به مقابله با اقتصاددانان حزبی اتحاد جماهیر شوروی برخاست که معتقد بودند «در شوروی فرماسیونی غیر از سرمایه داری برقرار است». دونایفسکایا با استناد به کتاب **سرمایه** مارکس ادعا می کرد که ویژگی متمایز سرمایه داری تنها

بیستم به تصویر کشیده شده بود، تفاوت چشمگیری دارد". کتاب از ۳۲ فصل در قالب سه بخش تشکیل شده است که به ترتیب:

- **نخستین پاره، شامل هشت فصل، درونمایه های عمده ای است که با قرائت گروندریسه مطرح می شود.**
- **دومین پاره، بستر زندگی نامه ای و نظری مارکس را در زمان نگارش دستنوشته های این اثر سترگ بازسازی می کند.**
- **سومین پاره، گزارش جامعی است از انتشار و پذیرش کتاب در سراسر جهان.**

اریک هابسباوم، مورخ برجسته ی انگلیسی در مقدمه ای که بر این کتاب نوشته است، می کوشد با توضیح فضایی که این اثر پس از نزدیک به صد سال امکان انتشار می یابد، از خلال وقایع جنگ جهانی دوم و نیز دوران حاکمیت استالین بر اتحاد جماهیر شوروی، اهمیت مطالعه و تفسیر «گروندریسه» را به خواننده یادآوری کند. دانستن اینکه حجم عظیمی از ویراست آلمانی کتاب در جبهه های جنگ جهانی دوم به عنوان اوراق تبلیغاتی علیه سربازان آلمانی و بعدها در اردوگاه های جنگی برای مطالعه ی زندانیان توزیع شده بود، کافی است تا به گروندریسه صرفاً به عنوان یک کتاب «اقتصادی حاوی نقدهایی به کلاسیک ها» نگاه نشود و اهمیت سیاسی آن در منظومه ی اندیشه ی مارکس مد نظر قرار گیرد.

گروندریسه: آمیزه ی تاریخ، فلسفه و اتوپیا

فصل اول که به قلم خود موسو است، اختصاص به «مقدمه» ی مشهور گروندریسه دارد که احتمالاً در ایران بیشتر از خود کتاب شناخته می شود و غالب علاقه مندان به آثار مارکس احتمالاً در مطالعه ی این کتاب، به همین مقدمه بسنده کرده اند؛ و از میان نکات ژرف روش شناسانه و سیاسی آن تنها این عبارت را زمزمه کرده اند که "این هستی انسان است که آگاهی او را تعیین می کند". چاپ مقدمه به شکل کنونی آن در سال ۱۸۵۹ در واقع در دل خود نشانی از گفتگوی درونی مارکس با خودش بود؛ چه اینکه وی در آغاز بنا داشت با اختصاص دادن «مقدمه ی عامی» به تشریح روش در اقتصاد سیاسی و اهمیت «صعود از انتزاعی به انضمامی» پردازد اما بعدها هنگام انتشار با ذکر این توضیح که "پیش بینی نتایجی که هنوز باید به اثبات برسد مغشوش کننده است"، هدف مقدمه را "پیشروی از جزئی به کلی" تعیین کرد. موسو با تقسیم این مقدمه ی بلند به چهار بخش، می کوشد تا ضمن نشان دادن ساختار و اسلوب اثر، از این ایده که "گروندریسه مقدمه ای است بر «سرمایه»" دفاع کند. از جمله ی جذاب

عنوان می کند.

فصل ششم نیز که به قلم جان بلامی فاستر است، به خاطر جایگاه او در اندیشه ی مارکسیستی و پروژه ی فکری اش، بازآفرینی نگاه ماتریالیستی به طبیعت، در خور توجه است. این مقاله نیز به نوعی پیگیری همان پروژه است. فاستر به توضیح این نکته می پردازد که "چگونه دگرگونی های پیوسته ی سرمایه داری تنها با بیگانه سازی ضرورت طبیعی (یعنی شرایط پایداری و بازتولید) و نیازهای انسانی ممکن بوده است". او با تأکید بر نگاه هگلی مارکس در دستنوشته های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴ در خصوص "دیالکتیک مناسبات انداموار-غیرانداموار در فلسفه ی طبیعت هگل" انتقال این نگاه به «گروندریسه» را ذیل بحث «شرایط طبیعی کار و بازتولید همچون پیکر غیرانداموار عینی و طبیعی ذهنیت انسان» مورد توجه قرار می دهد.

فصل هفتم کتاب به رگه های اتوپیستی مارکس در ترسیم یک جامعه ی رهایی یافته و چگونگی ریست افراد حاضر در آن اختصاص دارد. نویسنده با تشریح فهم مارکس از «کار» ما را متوجه ی این نکته ی حیاتی می کند که در نظر مارکس هدف نهایی انقلاب، «الغای کار» است. در این مقاله با تمرکز بر «فصل پول» گروندریسه که در آن مارکس به تشریح گذار به تکامل شیوه های تولید از شکل های قدیمی و باستانی تا فئودالیسم و سرمایه داری و از آنجا تا جامعه ی رهایی یافته ی آینده می پردازد، به نوعی تلاش می شود تا تداوم ایده ی مارکس در پاراگراف مشهورش همراه با انگلس در «ایدئولوژی آلمانی» در خصوص چگونگی حیات آزادانه ی فرد در جامعه ی کمونیستی، نشان داده شود.* اهمیت فوق العاده ی این فصل در شکاف عظیمی است که در فهم رایج از مارکس ایجاد می کند. اینکه برای مارکس رسیدن به سعادت بشری و رهایی از رهگذر کار زیاد و اسطوره ی «استاخونوفیسم» شوروی استالینیستی ممکن نمی شود و معیار سنجش رفاه و آسایش چیرگی وسایل مصرف بر تولید است. اهمیت این درک جدید از مارکس را شاید تنها در نقد دونایفسکایا از برنامه های پنج ساله ی اتحاد جماهیر شوروی بتوان سراغ گرفت.* آنجا که او با استناد به «سرمایه» ی مارکس ادعا کرد که ویژگی متمایز سرمایه داری تنها یک عامل است: **استخراج ارزش اضافه** تحت سلطه سرمایه خصوصی یا سرمایه دولتی؛ و تشخیص این عامل تنها به میانجی درک دوگانه ی «کار زنده»، «کار مرده» ممکن خواهد شد. نکته ای که بعدها توسط آرنست در «وضع بشر» با تمایز میان «کار» و «زحمت» بار دیگر پر اهمیت شد.

از جمله ی نکات جالب این مقاله، کنایه ی پایانی آن به فهم ساده لوحانه ی آدورنو از تفاوت کیفی دو شکل از کار (مرده و زنده یا رهایی بخش) است که در قالب فزایی همانند فراز مشهور «ایدئولوژی آلمانی»، کار رهایی بخش

یک عامل است: **استخراج ارزش اضافه** تحت سلطه سرمایه خصوصی یا سرمایه دولتی. به این اعتبار از نظر او فرقی میان «ایالات متحده» و «شوروی» نبود، چه اینکه «کار مرده» در هر دو به شکل بارزی وجود داشت.

فصل پنجم اما به خاطر نویسنده ی آن (میک سنزود) از اهمیت ویژه ای برخوردار است. او با دنبال کردن پروژه ی فکری اش، یعنی «تجدید حیات ماتریالیزم تاریخی» که در کتاب «سرمایه داری در برابر دموکراسی» به تشریح آن پرداخته است، عقبه ی این روش بررسی را در فصل «صورت بندی های مقدم بر تولید سرمایه داری» گروندریسه دنبال می کند. این فصل پیشتر از انتشار رسمی کتاب، به عنوان اثری مستقل نیز منتشر شده بود که هابسباوم به عنوان مترجم انگلیسی اثر، مقدمه ی مفصلی را هم بر آن نگاشته بود. میک سنزود با طرح این ادعای جسورانه که "مارکس در مشاهدات تاریخی اش بر خطا بوده است"، ضمن زدودن قداست های ارتدوکسی از چهره ی او، به این پرسش پاسخ می دهد که "چگونه نظریه ی عام ماتریالیزم تاریخی مارکس، بدون توجه به خطاهای تاریخی اش، تاب می آورد؟" از نظر میک سنزود "هدف مارکس تأکید بر خاص بودن سرمایه داری است و نه تعمیم قوانین حرکت سرمایه داری به تمام تاریخ به طور عام و برخورد با جامعه ی جاری به عنوان مقصدی از پیش مقرر". اینجا می توان اهمیت تصحیحی که مارکس در ترجمه ی فرانسوی «سرمایه» به آن همت گمارد را بیش از پیش مورد توجه قرار داد:

در فراز معروفی درباره ی جوامع صنعتی و غیرصنعتی در ویراست انگلیسی که به ویراست چهارم آلمانی متکی است، چنین آمده است:

- کشوری که از لحاظ صنعتی توسعه یافته تر است به کشورهایی که کمتر توسعه یافته اند، فقط تصویر آینده شان را نشان می دهد.

اما همین فراز در متن ویراست فرانسه به گونه ای دیگر طرح شده است:

- کشور توسعه یافته تر از لحاظ صنعتی به کشورهایی که در مسیر صنعتی از پی آن می آیند، فقط تصویر آینده شان را نشان می دهد.

کوین اندرسون در مقدمه ای که بر ترجمه ی فارسی «سرمایه» (ترجمه ی حسن مرتضوی/انتشارات آگاه) نوشته است، در توضیح اهمیت این دگرگونی، به حمله هایی که به این اثر مارکس به عنوان اثری جبرباور شده است، اشاره می کند و تأثیر مبارزات مردم در روسیه علیه تزار و هند علیه استعمار انگلستان در فاصله ی انتشار ترجمه ی آلمانی و ترجمه ی فرانسه را عامل تغییر شیوه ی بیان مارکس

«شاید واقعا بد دیده باشم اما به هر حال با کمی دیالکتیک می توانم از زیر آن در بروم. البته کلماتم را چنان فرموله کرده ام که از هر طرف درست از آب درآید.»

اهمیت چنین فرازهایی در این است که حتی غول اندیشه ای چون مارکس هم از به اصطلاح «آب بندی» کردن مبرا نبوده است؛ و اینکه قدیس ساختن از هر اندیشمندی کاری است عبث و بیهوده؛ خاصه اگر آن اندیشمند مارکس باشد که خود دشمن درجه ی یک چنین موضع گیری هایی بود.

در فصل دهم که ترسیم چهره ی مارکس به عنوان یک روزنامه نگار اقتصادی است، می توان درک جدید او از مفهوم «مبارزه ی انترناسیونالیستی» را دریافت. آنجا که مبارزات مردم هند علیه استعمار، همپای مبارزات کارگران در انگلستان در پیشبردن انقلاب سوسیالیستی برایش مهم است.

و در نهایت فصل یازدهم که مارکس را در مقام یک تحلیلگر چیره دست بحران اقتصادی زمانه اش نشان می دهد. احتمالا کمتر کسی از علاقه مندان به آثار مارکس و شارحانش در ایران بدانند که از مارکس سه دفتر در خصوص بحران های اقتصادی آن زمان اروپا (انگلستان، فرانسه، آلمان و اسپانیا) به جا مانده است که هر کدام در نوع خود علی رغم آنکه تحلیل یکی از مهمترین متفکران تاریخ در خصوص پدیده ای اجتماعی-اقتصادی است، سندی تاریخی نیز به شمار می رود.

گروندریسه: از استالین تا پرهام

اما پاره ی سوم کتاب اختصاص دارد به بازتاب انتشار گروندریسه در جهان. به جز ایران احتمالا جالب ترین فصول این پاره، شرح تأثیر انتشار و ترجمه ی گروندریسه در ایتالیا، فرانسه و شوروی به عنوان سه قطب مهم در تکوین و گسترش اندیشه ی مارکسیستی در جهان است.

بخش اعظم نوشته ی مربوط به ایتالیا در رابطه با اهمیت و تأثیر جریان «کارگرگرای» [Operiasmo]*** به رهبری آنتونیو نگری در دهه ی ۱۹۶۰ است که با استفاده از «سرمایه» و «گروندریسه» می کوشیدند مرحله ی تیلوری-فوردیستی سرمایه ی صنعتی را تفسیر کنند و تغییر دهند. همچنین اشاره به خوانش کانتی لوچو کولتی از گروندریسه به عنوان یکی از شناخته شده ترین چهره های مارکسیسم در اروپا هم شایان توجه است.

در فصل مربوط به فرانسه نیز، با چهره هایی شاخص از آلتوسر و مندل تا ژاک بیده و میشل هانری مواجه ایم که غالب بحث هایشان حول محور این موضوع که "آیا

را به "طاق باز روی آب خوابیدن و آسمان آبی را در آرامش نگاه کردن" تشبیه می کند!

فصل هشتم با عنوان «بازاندیشی سرمایه در پرتو گروندریسه» تلاشی است برای بازخوانی گروندریسه با عینک «دستنوشته های فلسفی و اقتصادی ۱۸۴۴».

نویسنده نتیجه می گیرد که "گروندریسه به ما امکان می دهد دریابیم که نقد مارکس در سرمایه فراتر از نقد سنتی مناسبات بورژوازی توزیع (بازار و مالکیت خصوصی) بسط می یابد" و جامعه ی صنعتی مدرن را به عنوان جامعه ی سرمایه داری از خلال "ساختارهای انتزاعی سلطه، بخش بخش شدن فزاینده ی کار فردی و هستی فردی و عنان گسیختگی کور منطق تکاملی" مورد بررسی قرار می دهد.

گروندریسه: محصول زیستی بحرانی

بخش دوم کتاب که سه فصل را در برمی گیرد به زندگی و زمانه ی مارکس در زمان نگارش گروندریسه می پردازد. مارکسی که در اوج فقر اقتصادی و بیماری های مزاجی و عفونی طاقت فرسا "به هر قیمتی می خواهد هدفش را دنبال کند". زیبایی های بخش دوم در روشن شدن بخش هایی از زندگی مارکس است که تا کنون در هیچ منبعی به آن اشاره نشده و همچنین ضرورت و ظرافت "تاریخ مادی اندیشه" را نیز نشان می دهد. این نکته از آنجایی اهمیت دارد که غالب کتبی که به بررسی اندیشه های یک متفکر یا متفکرانی می پردازند، زمینه ی مادی (اعم از جغرافیا، تاریخ اجتماعی و اکتشافات علمی) شکل گیری ایده های آن متفکر یا متفکران را به فراموشی می سپارند.

سه فصل یاد شده به ترتیب «زندگی شخصی مارکس»، «مارکس به عنوان روزنامه نگار اقتصادی» و «بحران اقتصادی ۵۸-۱۸۵۷ سرمایه داری» به هنگام نگارش گروندریسه را شامل می شود. فصل نهم که اولین فصل این بخش است را خود موسسو به عنوان ویراستار کتاب نوشته است و از به دلیل نشان دادن زوایای جدید زندگی خصوصی مارکس از جذابیت فوق العاده ای برخوردار است. از جمله ی این نکات ظریف اشاره به مکاتبات مارکس و انگلس در جریان تدوین سلسله مقالاتی درباره ی «استعمار انگلستان در هند» برای نشریه ی «نیویورک تریبون» است، که بعضا با امضای یکدیگر مطلب می نوشتند. در جریان نگارش یکی از این مقالات که مربوط به «شورش سپوی در هند» بود و بنا بود انگلس آن را با امضای مارکس بنویسد اما به دلیل بیماری عفونی حاد، به ناچار این مسئولیت بر عهده ی خود مارکس افتاد، مارکس در خصوص ادعایی که در مقاله کرده (عقب نشینی اجباری انگلیسی ها به خاطر آغاز فصل بارانی) خطاب به انگلس می نویسد:

کرده است که او می تواند بدون مطالعه ی خود گروندریسه، آن را در جریان یک شرح و تفصیل غنی بازخوانی کند. اشاره به این مسئله از آنجایی است که ما در پاره ی سوم، فصل مربوط به بازتاب انتشار اثر در کشورهای انگلیسی زبان متوجه می شویم که نخستین ترجمه، از آن «مارتین نیکلاوس» است و این ترجمه ای است پر اشتباه که مبنای ترجمه ی فارسی قرار گرفته است.

مک للان در توصیف جایگاه و اهمیت «گروندریسه» معتقد است که "گروندریسه به خواننده ی احساس مارکس در کارگاه را می دهد" و از همین رو هم هست که اهمیت این کتاب و به قولی میراثی که از آن برای ما باقی مانده است، «روش» مارکس در مطالعه و نقد پدیده های اجتماعی در جامعه ی مبتنی بر نظم سرمایه داری است. گروندریسه، پس از «فلسفه ی حق» دومین اثری است که با اتکا به «منطق» در نظر هگل به سراغ نظریه و تحلیل می رود. چنانکه مارکس در آغاز نگارش اثرش، در نامه ای به انگلس از "مرور مجدد علم منطق هگل" برای "برانداختن کل دکترین سود" خبر می دهد.

ترجمه ی این اثر ارزشمند را باید در راستای اثر دو جلدی «سرمایه ی مارکس چگونه شکل گرفت» به قلم رومن روسدولسکی با ترجمه ی سیمین موحد و نیز «سرمایه» ی مارکس با ترجمه ی خود مرتضوی در نظر گرفت، تا به عمق این ادعا پی برد که "هر آنچه درباره میراث اندیشه ی مارکسیستی در ایران به خواننده ی فارسی زبان عرضه شده، اساساً ربط چندانی به مارکس نداشته است". مرتضوی پیش از این نیز با ترجمه ی «مانیفست پس از صد و پنجاه سال» به کوشش لئوپانیچ و کالین لیز از سوی نشر آگه، علاقه ی خود را به بازخوانی متون کلاسیک دست اول به قلم پژوهشگران برجسته ی اندیشه ی مارکسیستی نشان داده بود. ترجمه های کتبی از این دست نشان می دهد که در منظومه ی عریض و طویل اندیشه ی مارکسیستی از قضا تنها این خود مارکس است که چندان اقبال شناخته شدن در میان ایرانیان را نداشته است. به این ترتیب باید گفت که تازه زمینه ی اندکی برای مطالعه ی جدی اندیشه های کارل مارکس در ایران فراهم شده است.

گروندریسه ی مارکس به کوشش مارچلو موستو و با پیشگفتاری از اریک هابسبام به ترجمه ی حسن مرتضوی، با قیمت ۱۲۵۰۰ تومان از سوی نشر نیکا روانه ی بازار کتاب شده است.

پانویس:

* پاراگراف مشهور به این شرح است:

"... در جامعه ی کمونیستی که در آنجا هیچ کس

گروندریسه را باید به چشم مقدمه ای بر «سرمایه» خواند یا اثری مستقل به حساب آورد" در جریان است.

و اما شوروی به عنوان خاستگاه اصلی مارکسیسم در قرن بیستم که بدون درک سرگذشتی که در آن برای گروندریسه رقم خورد، نمی توان اهمیت و جایگاه تاریخی کتاب را درک کرد. قتل دیوید ریزانف، بنیانگذار و مدیر مؤسسه ی مارکس و انگلس و پاکسازی مؤسسه در دوران استیلای استالین و نیز این اعتقاد راسخ استالین مبنی بر اینکه "برای اینکه توده ها نظرات مارکس را بفهمند، سه جلد «سرمایه» کافی است"، به خودی خود کافی است تا سرنوشت گروندریسه در پایتخت مارکسیسم قرن بیستم را هم برای پژوهشگران تاریخی و هم علاقه مندان به مطالعه ی «گروندریسه» جذاب و خواندنی نماید.

بخش مربوط به ایران نیز به قلم کامران نیری، توضیح مختصری است درباره ی چگونگی ترجمه و استقبال از اثر در دهه ی ملتهب ۱۳۶۰ و همچنین انتقادی از عدم بازتاب آن در محافل فکری و حتی مارکسیستی تا به امروز. اصل ترجمه بر عهده ی «احمد تدین» بوده است که با ویراستاری «باقر پرهام» و مطابقت آن با ترجمه ی فرانسوی در قالب دو جلد از سوی نشر آگاه منتشر شد و پس از مرتبه ی سوم، دیگر هرگز تجدید چاپ نگردید.

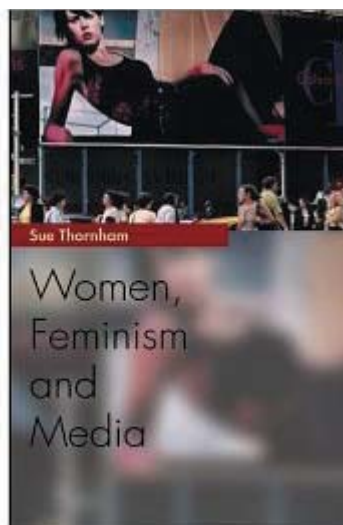
هر آنچه می خواهید درباره ی مارکس بدانید

به جرأت می توان گفت، با ترجمه ی چنین کتابی در ایران، هر مطالعه ای در خصوص مارکس و مارکسیسم بی ارجاع به این اثر ناقص خواهد بود. کتاب در نوع خود دایرة المعارفی است از مقالاتی از پژوهشگران برجسته ی اندیشه ی مارکسیستی، و همچنین شرحی نسبتاً جامع از زندگی و اندیشه ی مارکس. در این خصوص باید این نکته را هم اضافه کرد که کتاب الگوی بسیار خوبی از چگونگی نوشتن «تاریخ مادی اندیشه» به دست می دهد. اهمیت این مسأله از آنجایی است که غالب آثار منتشر شده در ایران (چه تألیف و چه ترجمه) درباره ی اندیشه ی یک متفکر یا جمعی از متفکران، پروژه هایی ایده آلیستی و بی توجه به زمینه های اجتماعی-اقتصادی شکل گیری تفکر بوده است. اهمیت رعایت چنین الگویی در شرح و تفسیر اندیشمندی چون مارکس از آنجایی است که او [در همین گروندریسه] متذکر شده است که "این هستی اجتماعی است که تعیین کننده ی آگاهی سوژه است".

ویژگی دیگری که می توان برای «گروندریسه ی مارکس» برشمرد، تفکیک فصول از یکدیگر و امکان مطالعه ی جداگانه ی هر فصل بدون ارجاع ضروری به فصول دیگر است. همچنین ارجاعات متعدد نویسندگان فصول مختلف به خود متن «گروندریسه» و ترجمه ی مجدد حسن مرتضوی از این فرازها، شرایطی را برای خواننده ی علاقه مند فراهم

واقعی امروز" شدند.

از نگاه جان مالینوکس این تظاهرات ها تنها نمونه‌ای از برآمد دوباره‌ی جنبشی است که تحت تاثیر ایده‌های آنارشیستی قرار دارند. جان مالینوکس ضمن استقبال از احیای چنین جنبشی ضعف‌های بنیادی آن را بر می‌شمرد. او به رویکرد آنارشیستی به دولت، سازمان و فرد نظر انداخته و تاریخ ۰۶۱ سال جنبش را ارزیابی می‌کند و به بحث-های معاصر درباره قیام‌های خود به خودی، تصمیم‌گیری در جنبش و عمل مستقیم می‌پردازد.



Women, Feminism And Media

Sue Thornham

Edinburgh University Press"

زن فمینیسم و رسانه

سو ترنهام

انتشارات دانشگاه ادینبورگ

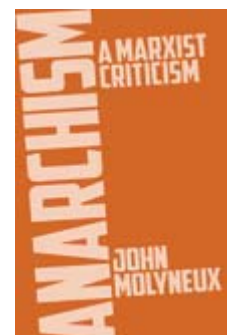
این کتاب، پژوهشی است در بحث‌های مهم در گستره فمینیسم و رسانه. کتاب به بررسی روابط در حال تغییر و غالباً ضد و نقیض سه مفهوم زن، فمینیسم و رسانه می‌پردازد و آنها را در بحث گسترده‌تری درون نظریه فمینیستی می‌گنجاند.

«زنان واقعی» هم به بررسی غیاب صدای زنان در ژانرهای خبری و مستند، و هم حضور بیش از اندازه آنان در درون واقعیت عام اشکال رسانه‌ای می‌پردازد. و در نهایت، فن

قلمرو انحصاری فعالیت ندارد بلکه هرکس می‌تواند در هر شاخه‌ای که میل دارد مشغول به کار شود، جامعه تولید همگانی را تنظیم می‌کند و از اینرو برای من این امکان را فراهم می‌کند که امروز این و فردا کار دیگری انجام دهم، در بامداد شکار کنم، بعد از ظهر ماهی بگیرم و شامگاه به دامپروری مشغول شوم و پس از صرف شام، هر طور که در نظر داشتم به انتقاد بپردازم، بی آنکه هرگز شکارچی، ماهی‌گیر، چوپان یا منتقد باشم" (لودویک فوئرباخ و ایدئولوژی آلمانی، ترجمه پرویز بابایی، نشر چشمه، چ ۳، ۱۳۸۶:ص ۳۱۲).

** در این خصوص بنگرید به مقاله ی «تئوریهای مارکسیستی پیرامون سرمایه داری دولتی (بخش اول)» / فریدا آفاری.

*** Operiasmo جنبشی سیاسی و تئوریک در ایتالیا بود که از فرهنگ طبقه ی کارگر فارغ از نقش تاریخی آن تجلیل می‌کرد. این جنبش در دهه ی ۱۹۷۰ در ایتالیا فعال بود و آنتونیو نگری از رهبران آن شمرده می‌شد (به نقل از توضیح مترجم در ص ۳۵۵).

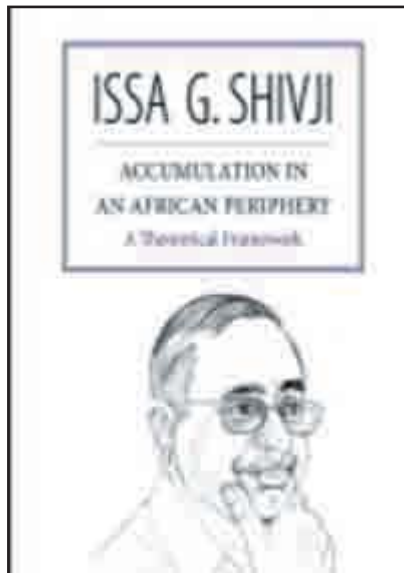


Anarchism: A Marxist Criticism John Molyneux

Published by Bookmarks

آنارشیسم : نقد مارکسیستی
نویسنده: جان مالینوکس
انتشارات: بوک مارک

در ماه مه ۲۰۱۱ هزاران نفر از دانشجویان و کارگران، میادین اصلی شهرهای اسپانیا را با الهام از انقلاب مردم مصر اشغال کردند. این حرکت در آتن و در سراسر اروپا در همبستگی با انقلاب مصر تکرار شد. تظاهرات کنندگان، تمام احزاب سیاسی اصلی را با این شعار که "آنها ما را نمایندگی نمی‌کنند" محکوم کردند و خواستار "دموکراسی



Accumulation in an African Periphery: a Theoretical Framework

Issa G Shivji

Mkuki na Nyoto Publishers

انباشت در آفریقای پیرامونی: چهارچوبی نظری

نویسنده: عیسی جی. شیوجی

انتشارات: Mkuki na Nyoto

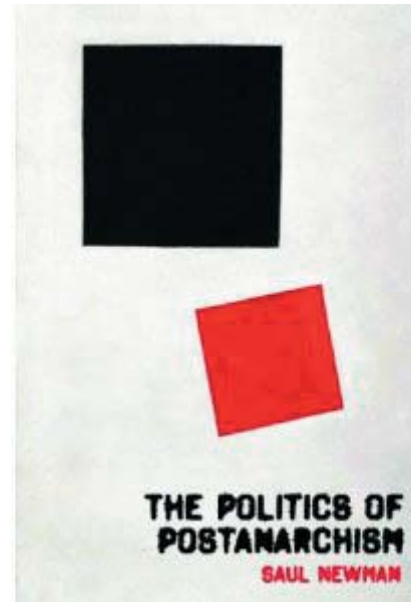
پروفسور شیوجی از جمله نویسندگان سنت مارکسیستی دانشگاه دارالسلام است که از سال ۱۹۷۰ با انتشار "مبارزه طبقاتی در تانزانیا" وارد این عرصه شد.

دو بخش اصلی این کتاب ارائه تجزیه و تحلیلی از اقتصاد جهانی به طور کلی و جنوب جهانی به طور خاص است. این کتاب با آغاز از تبیین مارکسی از انباشت به عنوان نیروی محرک سرمایه داری، از نظرات لنین، روزا لوکزامبورگ و دیگران برای بسط تئوری امپریالیسم سود می‌جوید. کتاب سپس به این مسئله می‌پردازد که چگونه "انباشت از طریق سلب مالکیت" جغرافیای تاریخی سرمایه به خصوص در جنوب را شکل داده است.

نویسنده به طور خلاصه نشان می‌دهد که بحران آسیا در ۸-۷۹۹۱ چگونه به نابودی اسطوره بهره‌های آسیا انجامید. او استدلال می‌کند که بحران مالی اخیر و رکود جهانی پس از آن، بسیاری از توهمات در مورد سرمایه داری جهانی را نقش بر آب کرده است.

شیوجی استدلال می‌کند که نظام بهره‌کشی از دهقانان و بخش‌های غیررسمی در شهرهای جنوب جهانی در کانون

آوری تفاوت "رابطه‌ی بین فمینیسم، زنان و فن آوری رسانه ای جدید را مورد بررسی قرار می‌دهد. در سراسر کتاب، مسائل کلیدی در مطالعات رسانه ای فمینیستی هم از طریق نمونه‌های خاص و هم از طریق تعامل انتقادی با آثار نظریه پردازان بزرگ بررسی می‌شود.



The Politics of Postanarchism

Saul Newman

Edinburgh University Press

سیاست پسا آنارشیزم

سال نیومن

انتشارات دانشگاه ادینبورگ

سال نیومن مدعی است که مساوات طلبی ضد استبدادی آنارشیزم الهام‌بخش زمینه‌های اخلاقی و سیاسی مبارزات رادیکال معاصر به ویژه جنبش جهانی ضد سرمایه داری بوده است. او همچنین استدلال می‌کند که آنارشیزم بر معرفت‌شناسی منسوخی استوار است و خواستار جهت‌گیری جدید در سیاست‌های ضد استبدادی و رهائی بخش آن است. نیومن به چارچوب بندی رویکردهای سیاسی می‌پردازد که احیا شده‌اند. او این رویکردها را پسا آنارشیزم می‌نامد. او با رجوع به آنارشیزم‌های کلاسیک، پسا ساخت‌گرایان، روش‌های پسا مارکسیستی و انتقادی، روانکاوی، متدولوژی ابتکاری نو و مشی رادیکال و ارتباط آن با فردیت، هویت، جهانی‌سازی، برابری و دولت را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پسا ۱۱ سپتامبر در چهارچوبی بزرگتر، تکامل در هم تنیده شده سیستم دولت مدرن و شیوه تولید سرمایه داری را از پیمان وستفالی تا اشغال عراق، ردیابی می‌کند. بالاگريشنان در این کتاب سه دیدگاه کلیدی سیاسی یعنی لیبرالیسم (توکویل)، راست رادیکال (اشمیت)، و چپ مارکسیستی (آلتوسر) در باب دولت و جامعه مدنی، دموکراسی، و طبقه را در نظریه قدرت خود به کار می‌گیرد.



بحران در استبداد سالاری ایران

احمد سیف

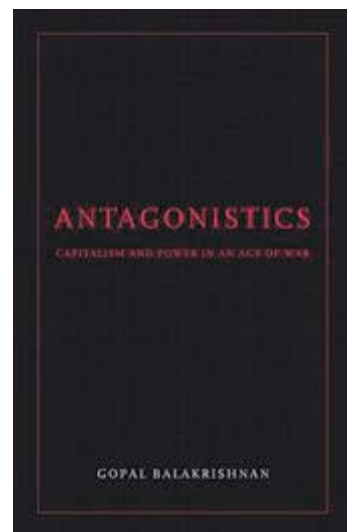
نشر: کتاب آمه

در این کتاب نویسنده ضمن پرداختن به زمینه های تاریخی بحران استبداد سالاری در ایران و پیامدهای آن و بستری که به انقلاب مشروطه انجامید به واکاوی نهضت مشروطه و علل شکست آن و برآمدن استبداد صغیر از پی آن می پردازد. به گفته خود نویسنده این کتاب ضمن پذیرش عوامل برون ساختاری موثر بر این شکست، تاکید مضاعف خود را بر علل و زمینه های داخلی گذاشته است. در این راستا سیف قرائت های رایج در باب عدم موفقیت نهضت مشروطه را با اسناد و مدارک تاریخی به چالش می کشد و در واقع دلیل شکست مشروطه را همان حامیان نظام کهن می داند. یکی از منابع رایج در باب مشروطه اثار فریدون ادمیت است که سیف به تفصیل آن را در مقابل اسناد و مدارک تاریخی قرار داده و علامت سوال های بسیاری را درباره تحلیل ها و نقد و غرض هایش مطرح می کند.

نویسنده یادآور می شود در شرایطی که اوضاع جهانی تحولات شگرفی را با توسعه نیروهای مولده از سر می گذراند و این تحولات مرادفات ایران با غرب را گسترش داد لیکن انجماد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در قرن نوزدهم بر ایران حاکم بود که خود یکی از ریشه های بحران عصر مشروطه بود. از نگاه نگارنده این سکون خود یکی از

"انباشت از طریق سلب مالکیت" قرار دارد که به تولید مازاد در جنوب جهانی و حوزه پیرامونی آن می انجامد و سپس در مرکز انباشته شود. مکانیسم های بسیاری این فرایند را محقق می کند. اما از نگاه نویسنده دوگانگی ساده بین پیرامون و مرکز وجود ندارد. انباشت در کشورهای پیرامونی تحت امپریالیسم نیز رخ می دهد، برای مثال، در نایروبی در شرق آفریقا، لاگوس در غرب آفریقا، و در آفریقای جنوبی.

رونق در قیمت کالاهای خام آفریقایی در طول چند سال گذشته به جای توسعه اقتصادی، به نتایجی زیانبار منجر شده است. شیوجی بر این باور است که پاسخ به مسایل جنوب جهانی و کشورهای پیرامونی نمی تواند انتزاعی باشد بلکه نیازمند تجزیه و تحلیل عینی عاملیت تغییر در بافت شرایط مبارزات طبقاتی هم در سطح ملی و هم در عرصه بین المللی است.



Antagonistics Capitalism And Power In An Age Of War

Gopal Balakrishnan

Publisher: Verso

تضادهای سرمایه داری و قدرت در عصر جنگ

نویسنده: گوپال بالاگريشنان

انتشارات: ورسو

انتاگونیسم هسته سیاسی و نظری این پرسش - هاست: چگونه باید روابط بین نئو امپریالیسم جنگی و نئولیبرالیسم، هژمونی آمریکا و جهانی شدن سرمایه داری را تصور کنیم؟ بالاگريشنان با بررسی نظم

خصوصی در آموزش و پرورش را بر می شمرد. ملیسا بن همچنین برای نمونه به اصلاحات مخرب آموزش و پرورش ایالات متحده می‌پردازد و نشان می‌دهد که در این کشور خصوصی سازی، و افزایش مدارس چارتر به اختلافات اجتماعی، اقتصادی و قومی دامن زده است.

از نگاه ملیسا بن سیاست های دولت های گوناگون در انگلستان ناکارآمد و غلط بوده‌اند. اما یک چیز روشن است : کاربرد بی امان اصول بازار نشان دهنده چرخش اساسی از ایده آل کیفیت آموزش به عنوان یک "کالای عمومی"، به آموزش به عنوان کنترل کالا در بازار است. بن با ترسیم برخی از اصول کلیدی برای احیای ارزش های کیفی آموزشی در درون سیستم آموزش عمومی عادلانه و غیر انتخابی، کتاب خود را به پایان می‌برد.



Marx at the Margins: On Nationalism, Ethnicity, and Non-Western Societies

Kevin B Anderson

Publisher: University Of Chicago Press

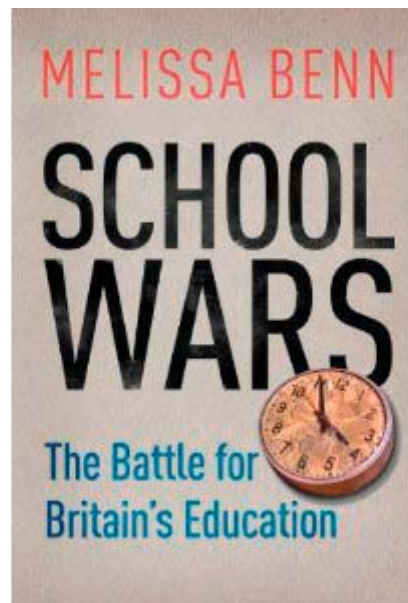
مارکس در حاشیه ها

ناسیونالیسم، قوم گرایی و جوامع غیرغربی

کوین اندرسون

انتشارات دانشگاه شیکاگو

دلایل کمبودهای خود نهضت مشروطه بود که فاقد رهبرانی هوشیار بود. در نتیجه در پی نظام مطلقه ای که تضعیف شد نظام کاراتری جایگزین نشد



School Wars: The Battle for Britain's Education

by Melissa Benn

Publisher: Verso Books

جنگ آموزش : نبرد برای آموزش در انگلستان

ملیسا بن

انتشارات ورسو

جنگ آموزش داستان مبارزه برای نظام آموزشی بریتانیا را باز می‌گوید؛ نظامی فراگیر که در دهه ۱۹۶۰ و بر اساس ایده مترقی ایجاد مدارس خوب برای همه بنیان نهاده شد. این سیستم جامع طی دهه های گذشته بارها مورد حمله دولت هایی قرار داشته که یکی پس از دیگری به قدرت رسیده اند .

جنگ آموزش، فقیرترین مدارس دولتی و مدارس خصوصی با منابع مالی گسترده را مورد ارزیابی قرار می دهد و با نگاهی انتقادی به نابرابری در سیستم کنونی، تاثیر مخرب کاهش هزینه، ظهور مدارس مستقل و رشد بخش

بروور به روایت داستان برنامه‌ی جامع پزشکی ونزوئلا می‌پردازد که در آن دکتر-معلمان با سفر به روستاها و مناطق فقیر نشین شهری به استخدام و آموزش پزشکان از میان دهقانان و کارگران پرداختند. این برنامه برای نخستین بار در کوبا فراگیر شد و پرسنل پزشکی کوبا نقش کلیدی در مشاوره و سازمان دهی این پروژه در ونزوئلا داشتند. این مدل انترناسیونالیستی موفقیت بزرگی در کوبا کسب کرد و کوبا را به کشوری پیشرو در طب و آموزش پزشکی تبدیل کرد. بروور نشان می‌دهد چگونه ونزوئلا در حال حاضر، با کمک هم‌تایان کوبایی خود این برنامه را پیگیری می‌کند.

اما اجرای این برنامه مشکلات خاص خود را نیز به دنبال داشته است. در واقع این طرح با خصومت شدید پزشکان سنتی ونزوئلا و همچنین تمام نیروهای مخالف انقلاب ونزوئلا و کوبا روبرو شده است. با وجود موانعی که کتاب آن را توصیف می‌کند، پزشکان انقلابی نشان می‌دهد که چگونه یک جامعه به تعهدات خود نسبت به تهیدستان عمل می‌کند و با ارائه مراقبت‌های بهداشتی اساسی و توانمند سازی مستقیم مردم در خدمت آن هاست.

The Jews in Poland and Russia

Antony Polonsky
 Publisher: Littman
 Library Of Jewish
 Civilization

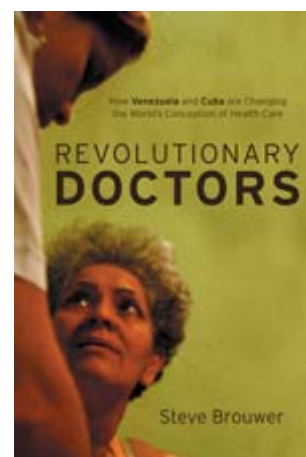
یهودیان در لهستان و روسیه
 آنتونی پولونسکی

انتشارات: Littman Library Of Jewish
 Civilization

تاریخ جوامع یهودی لهستان و روسیه که تبار بیشتر یهودیان اروپا و آمریکا از انجاست، اغلب مغشوش و آمیخته با کلیشه هاست. آنتونی پولونسکی این جهان گم شده را باز می‌آفریند و در این راه هم از سانتی مانتالیسم و هم از ساد سازی تجربه یهودیان شرق اروپا و تبدیل آن به داستانی مملو از آزار و اذیت و شهادت پرهیز می‌کند. این بازآفرینی روایت مهمی است که رابطه ان فراتر از جهان یهودی و یا مرزهای شرق و مرکزی اروپا است.

به نظر کوین اندرسون نقد مارکس بر سرمایه بسیار فراتر از آنیست که تاکنون بیان شده است. به باور او مارکس همزمان که تضاد کار و سرمایه در جوامع غربی و شمال آمریکا را در نظر داشت وقت و انرژی توأمانی برای مسائل جوامع شرقی مانند نژاد، قومیت و ناسیونالیسم گذاشت. از نگاه اندرسون، خط سیر نوشته‌های مارکس در نقد سرکوب‌های قومی، ملی و استعماری و ستایش از جنبش‌های مقاومت در همین راستاست.

اندرسون متذکر می‌شود "من در این پژوهش دریافتم که تئوری دیالکتیکی تحولات اجتماعی ای که مارکس بسط داد نه یک خطی و نه فقط طبقاتی است. تئوری تحول اجتماعی او در مسیری چند خطی تکامل می‌یابد و از این رو نظریه انقلاب وی بر مرزهای قومیت، نژاد و ناسیونالیسم متمرکز است."



Revolutionary Doctors

How Venezuela and Cuba Are Changing
 the World's Conception of Health Care

by Steve Brouwer

Monthly Review Press

پزشکان انقلابی

چگونه کوبا و ونزوئلا مفهوم مراقبت درمانی را عوض کردند
 نویسنده: استیو بروور
 ناشر: مانتلی رویو پرس

پزشکان انقلابی در حقیقت گزارش دست اولی است از برنامه‌های ابتکاری و الهام بخش ونزوئلا در مراقبت از سلامت و بهداشت جامعه که برای خدمت به فقرا طراحی و عموماً بدست خود آنان اجرا شد. بنابر مشاهدات دراز مدت شرکت‌کنندگان این برنامه و همچنین پژوهشی عمیق،